

متن پرسش

سلام و عرض ادب: سوال های سایت را راجع به استخاره خواندم ولی جوابی نگرفتم. نوشته بودید که به وسیله ی عالمان دینی، عقل و قرآن هدایت ما محقق می‌شود. اولین مسئله برای عالمان دینی اینکه اولاً به کدام عالم می‌شود اعتماد کرد و مطمئن شد که اشتباه نمی‌رود فقط به رهبری می‌شود اعتماد کرد که ایشان هم در دسترس ما نیستند و چقدر علما بودند که با ملاک های دین سازگاری داشتند و یکدفعه سقوط کردند. دسترسی به علمای خوب هم واقعا سخت هست. الان من با این همه اطلاعات به کدام طرف بروم؟ چه کنم تا به سمت خدا بروم؟ هر کس یه چیز می‌گوید. سردرگمی دارم که نمی‌دانم چطور حل بشود. خدا به من عقل داده تا درست انتخاب کنم ولی عقل من هم که نمی‌تواند راهنمای خوبی باشد. عقل و ذهن من کاملاً در گرو اطلاعات ورودی من است. خدا در سوره یوسف مگر نمی‌گوید شیطان از ذهنش برد که فلان مسئله را بگوید پس به ذهن و عقل هم که نمی‌شود اعتماد کرد. یک بار فکر می‌کنم اگر کار فرهنگی کنم خوب است یک بار اگر فرزندآوری، یک بار... عقلم نمی‌تواند پاسخگوی سوالاتم باشد. نمی‌تواند مسیرم را درست مشخص کند می‌ماند قران. قبلاً قرآن می‌خواندم، هم تفسیر، هم حفظ. اما چیز زیادی دستگیرم نمی‌شد، تا اینکه اربعین امثال پیش آمد، همه مخالف رفتن من و پسرم کوچکم بودند عقل و مشورت و اینا هم تایید می‌کرد که نباید این سفر رو بروم ولی از خدا خواستم که من بگویم نظرش چیست و او از من چه می‌خواهد، استخاره کردم و صفحه ۳۱۳ قران آمد و من با هر سختی بود رفتم و خیلی هم خوب بود بعد از آن خیلی حال خوش معنوی داشتم و خیلی با قران انس گرفتم، قبل از هر کاری قران می‌خواندم و برداشت می‌کردم انتظار خدا در این کار از من چیست و اصلاً هم برایم مهم نبود سود دنیایی دارد یا ندارد. فقط می‌خواستم کاری کنم که خدا دوست داشته باشد. با همبن کار به سمت جهاد تبیین سوق داده شدم و بعد به سمت تشکیل یه گروه برای اینکه کاری برای انقلاب و ظهور کنیم. دوستانم رو جمع کردم. یک سری از این چیزها را تعریف کردم برایشان، آیه ها را یکی یکی می‌خواندم و ازشان خواستم بر اساس توانایی هایشان بیایند در گروه تا در جهت ظهور رشد پیدا کنیم و ان شاءالله یار آقا شویم ولی دوستم می‌گفت ادبیات اصلاً شکل علما نیست و مثل رهبران فرقه های عرفانی منحرف است. می‌گفت نباید استخاره کنی و فقط در موقع ضروری، می‌گفت برداشت هایت می‌تواند تاثیر شیطان باشد و شاید به جای اینکه در مسیر هدایت الهی باشی در مسیر هدایت شیطانی. من هیچ وقت برای دنیا استخاره نکردم فقط می‌خواستم کاری را انجام دهم که خدا دوست دارد خودم را و همه چیزم را (که خدا به من داده) می‌خواستم وقف خودش کنم. این حرف ها را که زده خیلی ترسیده ام از اینکه نکند به جای رفتن به

سمت خدا به سمت شیطان رفته ام. نکند روی من تسلطی دارند؟ من استخاره می‌کردم دلم آرام می‌شد که خدا همین را از من می‌خواهد. اما الان باز پر از سردرگمی شده ام. خب اگر من می‌خواستم بر اساس مشورت و عقل و... برای اربعین تصمیم می‌گرفتم نباید می‌رفتم چون استخاره حجت نیست اما به خدا و قران اعتماد کردم و رفتم و نتیجه اش را هم دیده ام حالا اینکه بخواهم فکر کنم همین هم ممکن است تحت تاثیر شیطان بوده باشد خیلی مرا ترسانده. اینطور دیگر نمی‌شود به فکر کردن به ایه های قران و تصمیم برای خدا هم اعتماد کرد. ترسیده ام، سردرگم که کدام راه خوب برای من مناسب است تا به خدا برسم و می‌خواهم به طنابی دست بیندازم که مطمئن شوم به خدا می‌رسد نظر شما چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال همین قرآن وقتی می‌فرماید: «افلا تعقلون» ما را دعوت به تعقل می‌کند و عقل، نوری است که اگر اشتباه هم بکنیم متذکر اشتباه هم می‌شود به همین جهت حضرت صادق «علیه السلام» روایت مشهور «جنود عقل و جهل» را به میان آوردند. از طرفی معلوم است که عده‌ای امثال حضرت امام و رهبر معظم انقلاب و علامه طباطبایی‌ها با دقت‌های قرآنی خود، معارف ارزشمندی را در اختیار ما گذاشته‌اند. چه اندازه خوب است با مطالعه آثار چنین علمایی بیشتر و بیشتر به قرآن نزدیک شویم. موفق باشید